

عاشورا و این جماعت بی‌معرفت

سپاه عمر سعد هم مسلمان بود، روزه می‌گرفت، حج می‌رفت، نماز می‌خواند و هر روز در کربلا، صدای اذان از دو سو برمی‌خاست.



سید مهدی سیدی: سپاه عمر سعد هم مسلمان بود، روزه می‌گرفت، حج می‌رفت، نماز می‌خواند و هر روز در کربلا، صدای اذان از دو سو برمی‌خاست.

2 گروه رو به قبله نماز می‌گزاردند و شگفتا که در نماز سپاه عمر سعد، به پیامبر(ص) و خانواده‌اش سلام می‌دادند، بی‌آنکه بیندیشند که فرزند پیامبر(ص) و روح نماز در اردوگاه مقابل ایستاده است. در تاریخ آمده است پس از قتل حسین(ع) عده‌ای از کوفیان به شکرانه این جنایت، در بصره و کوفه مساجد می‌ساختند و وقف کردند. بعضی مقاتل نقل کرده‌اند حتی عده‌ای که فرزندان معلول و بیمار در خانه داشتند به نیت شفای فرزند پای به سرزمین کربلا گذاشتند و بر پیکر حسین(ع) سنگ پرتاب کردند.

این فقر معرفت است که 30 هزار لشکر کوفه را به میدانگاه کربلا می‌کشاند تا در فرات غسل کرده و با نیت تقرب، حسین(ع) و یارانش را ذبح کنند. آن هنگام که عمر سعد خواست فرمان حمله صادر کند بر اسب خود نشست و رو به سپاهیان خود کرد و گفت: «یا خیل‌الله ارکبی و بالجنه ابشری؛ ای لشکریان خدا سوار بر مرکب شوید و با شرکت در این مبارزه، به خود، بهشت خدا را هعده دهید».

پیش‌تر از ماجرای کربلا، بیست و چند سال قبل، پدران این جماعت ظاهرگرا نیز به نیت تبعیت از فرمان خدا، علیه امام‌المتقین امیرالمؤمنین(ع) شمشیر کشیدند و خود را برحق و علی را ناحق پنداشتند. آنگاه که سپاهیان شام به دسیسه عمرو عاص قرآن بزرگی را برگه کرده و بر سر نیزه بلند کردند، این جماعت بی‌معرفت، علیه قرآن ناطق شوریدند و علی(ع) را مجبور به حکمیت کردند.

روایت کربلا به ما هشدار می‌دهد که درگیر پوسته‌های پوچ زندگی نشده و سعی کنیم به اعماق دین و روح شریعت دست یابیم. این همان چیزی است که با تفکر و بینش صحیح حاصل می‌شود. ما اجازه عبور و ترک مناسک دین را نداریم اما اجازه توقف در آن را هم به ما نداده‌اند. نماز و روزه و حج و خمس باید منجر به کامل شدن عقل و روشن شدن افق دید ما شود. اصلا حسین(ع) در کربلا منادی عقل و فکر بوده است و البته باید دانست جاده عقلانیت، صرفاً از مسیر دین و شریعت می‌گذرد. عقل است که باعث می‌شود هم خود را بشناسیم، هم جبهه خودی را درک کنیم و هم به ابعاد جبهه دشمن واقف شویم. عاشورا، منادی عقلانیت آسمانی است.